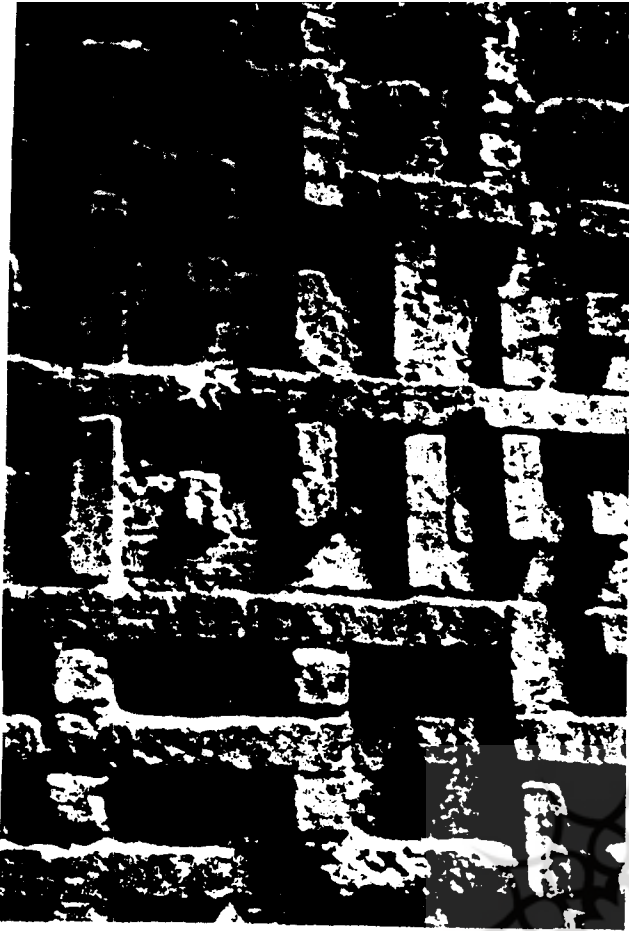




شهرهای تجسمی

پرتال بین علوم انسانی



آجرکاری در ایران

محمود ماهرالنقش

برای بهتر زیستن، دیواره غارها را تراش و توسعه دادند و به دیواره صاف تبدیل کردند و از همین دیوارها تندیس‌هایی برای خود تراشیدند و به اتاق و زندگی خود زیبایی بخشیدند. کم‌کم بر آن شدند که تعداد غارها را زیادتر کنند. در مکان‌هایی که غار وجود نداشت در دل کوه حفره‌ای ایجاد کردند و آن را به شکل اتاقکی ساختند و با تزئینات سنگی که ساخته خود آن‌ها بود آن را زینت بخشیدند. بدین ترتیب معماری صخره‌ای را پایه‌ریزی کردند و کالبد یک بنا را به وجود آورند و به وسیله آن از کلان فضا به ذره فضا رسیدند. در معماری آزاد و معمولی از فضا نتیجه کالبدی می‌گیرند و یک ساختمان را ایجاد می‌کنند، در صورتی که در معماری صخره‌ای عکس آن عمل می‌شود، یعنی از ذره فضا که همان گودال در دل سنگ است شروع می‌شود و به فضای گسترده از کوچک به بزرگ می‌رسند تا فضای لازم را به دست آورند.

تاریخ به گذشته دور برمی‌گردد و برابر حدسیاتی که زده شده انسان‌ها، کوچ می‌کردند تا از گزند و دگرگونی هوا در امان باشند. انسان‌ها برای زنده ماندن مبارزه می‌کردند چون زندگی را زنده ماندن می‌دانستند و برای آن دست و پنجه نرم می‌کردند. زندگی را پایدار نمی‌دانستند جز با پیشرفت و بهتر زیستن، بهتر زیستن با تمدن زمان خود همراه بود و هر روز به اجبار به نوعی ظهور می‌کرد.

تمدن، بهتر ساختن و بهتر زیستن را به همراه داشت زمانی رسید که کشاورزی، داد و ستد و اقتصاد انسان‌ها را بر آن داشت تا در مکانی مستقر باشند. استقرار در مکان از یک سو، و از سوی دیگر سرما و گرما، برف و باران آن‌ها را بر آن داشت که احساس نیاز به سرپناه کنند تا از گزند هوایی نامتناسب در امان باشند. بدین دلیل انسان‌های اولیه به حکم اجبار به غارها پناه بردند و غار را برای خود مکانی امن شناختند.

معماری صخره‌ای که مبحث دیگری است از حوصله این مقاله خارج است و در موقع مناسب درباره آن گفت و گو خواهیم کرد.

تاریخ شهرنشینی با ابهاماتی همراه است، در بین‌النهرین، ورود انسان‌هایی از شمال شرق به دشت خوزستان سرزمینی که برای کشت و نگهداری از دام‌ها مناسب است در تاریخ ضبط شده است.

آن‌هایی که به این منطقه کوچ کردند فرهنگ و آداب و رسوم با خود به آن منطقه آوردند که از جمله شیوه کار و خط و زبان را می‌توان نام برد. کوچ‌نشینان به یقین و برابری نوشته تاریخ‌نویسان از منطقه ایلام و کوهستان‌های شمالی، با پیمودن و پشت سر گذاشتن بخش‌هایی از شسمال و دشت خوزستان، به سرزمین‌هایی جدید که همان دشت بین‌النهرین بود پا گذاشتند و تاریخ معینی بر آن نیست. قابل ذکر است که هر چه آب خلیج فارس عقب‌نشینی می‌کرد و زمین‌های زیادتری به دشت افزوده می‌گشت تعداد کوچ‌نشینان بیشتر می‌شدند و در این منطقه بود که اجتماعات کشاورزی زیادتر و رونق اقتصادی افزون‌تر شد.

انسان‌ها پس از غارنشینی، از دست ساخته‌های خود که از سنگ به شکل سرپناه می‌ساختند استفاده کردند. و کاوش‌هایی که به دست باستان‌شناسان انجام گرفته و ظرف‌هایی گلی به دست آمده می‌رساند که بشر توانسته هر زمان دست به ابتکارات یا ابداعاتی بزند و تازه‌هایی را معرفی کند. زندگی اجتماعی بشر حدود پنج‌هزار سال قبل از میلاد مسیح شروع شد. و استفاده از خشت حدود هزار سال قبل از اینکه در تاریخ نامی از آن برده شود معمول بوده و این موضوع را می‌توان در یک لوحه خشتی زمان سارگون مؤسس امپراتوری اکاد یعنی قریب به ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح مشاهده کرد.

زمانی که انسان به آتش دست یافت و فهمید که

می‌تواند از آتش برای گرم شدن و طبخ غذا و پختن نان استفاده کند بر آن شد که به نحو احسن از این انرژی خدادادی که همه چیز را متحول کرد و انسان‌ها را از خام‌خواری به مواد پخته شده و از سرمای زمستان نجات بخشید، استفاده کامل کند انسان برای رهایی از سرما و پختن خوراکی‌ها سنگ‌هایی را دور هم چید و در میان سنگ‌ها آتش افروخت و بعد از مدتی که آتش اثر خود را بر سنگ گذاشت و باران بارید مشاهده کردند سنگ‌هایی که در کنار آتش بوده پخته شده و در اثر آب باران که بر آن باریده از هم شکافته شده و شیره آن به زمین فرو رفته و زمین را محکم کرده است بنابر این آهک را شناختند و بعدها توانستند در موارد مختلف از آن بهره‌برند.

ساکنان سواحل رودخانه‌های نیل، دجله و فرات به‌طور طبیعی می‌دیدند که پس از طغیان آب و جاری شدن سیل و فروکش کردن آب و ته‌نشین شدن رسوبات و گل‌هایی که از سیل باقی مانده و تابش آفتاب و گذشت زمان رسوبات خشک شده ترک می‌خورد و به شکل مکعب‌هایی کوچک و بزرگ بدون نظم و ترتیب در می‌آید که برای ساختن دیوار مناسب است بنابر این بر آن شدند که از این مکعب‌ها و رسوبات خشک شده کمک بگیرند و دیوارسازی کنند.

هنرمندانی که به ساختن گل و معماری علاقه داشتند، با تهیه قالب گل را به شکل‌های منظم و یکنواخت در آورند تا زمانی که پهلوی یکدیگر قرار می‌گیرد از آن بهره‌وری بهتر داشته باشند و دیوارها شکل تازه به خود گیرند.

ساختمان‌های اولیه ساده و ابتدایی بودند و می‌توان گفت یک سرپناهی بود برای حفاظت از گزند باد و باران و برف و عوامل دیگر جوی ساخته می‌شد و مردم نسبت به زیباسازی این بناها در وهله اول حساسیتی نداشتند و اهمیتی به آن نمی‌دادند تا به تدریج بهتر زیستن را لمس کردند و از تجربه گذشتگان و

نقاشی‌هایی که بر دیوار غارها و تندیس‌هایی که به ارث از گذشتگان و نقاشی‌هایی که به ارث از گذشتگان به آن‌ها رسیده بود احساسات آن‌ها را برانگیخت و بر آن شدند که بهتر بسازند و بهتر زندگی کنند. بنابراین نبوغ خود را به کار گرفتند و هر روز که می‌گذشت به خلاقیتی تازه دست می‌یافتند.

می‌توان گفت خانه‌هایی که از خشت می‌ساختند در کنار آن مکانی را برای طبخ غذا آماده می‌کردند که دور از دسترس باد و باران بود. اجاق‌های ساده به جای سنگ‌های قلوه که دور هم می‌چیدند از خشت‌های دست‌ساز که دیواره اجاق‌ها را مهیا می‌کرد و میان آن آتش می‌افروختند و بعد از مدتی دریافتند خشت‌ها پخته شده و تغییر رنگ داده از استحکام بیشتری برخوردار است.

چنین گمان می‌شود که جنگ‌ها و درگیری‌های قومی بین قبایل و به آتش کشیدن خانه‌های یکدیگر سبب شد تا دریابند خشت‌هایی که داخل آتش قرار می‌گیرد به آجر و ماده سخت و مقاومی تبدیل می‌شود. بدین ترتیب بود که پختن خشت معمول گشت و خاک رسی که در نظر آدمیان ناچیز و بی‌مقدار بوده ارزش معنوی پیدا کرد و ساختن آجر بین اقوام و ملل و تمدن‌های بزرگ جهان جان گرفت و ساختن خانه و دیگر اماکن، با آجر معمول گردید.

در زمانی که برج بابل ساخته می‌شد، بابلی‌ها خشت‌خام از خاک رس فرم گرفته شده را در آتش پختند و به ماده سختی تبدیل کردند و نام آجر بر آن نهادند.

از آجرهای به دست آمده در حفاری‌های کناره رود نیل شاید بتوان به تاریخ آجرسازی پی‌برد و از قطعات به دست آمده معلوم شده که تهیه آجر به شکل امروزی نبوده و تهیه و پخت آجر به شکل بدوی انجام می‌شده است. ساکنین اطراف رودخانه‌های نیل، رسوبات ته‌نشین شده آب رودخانه را با پهن مخلوط می‌کردند و

پس از قالب‌گیری و فرم دادن در مقابل نور آفتاب خشک می‌کردند و از آن استفاده می‌بردند. امروز هم در بعضی از نقاط که هنوز از خشت‌خام استفاده می‌کنند رسم بر این است که در گودل یا حوضچه به اندازه معین خاک رس و مقداری گاه یا خاکه گاه را به هم مخلوط می‌کنند، پس از خیس خوردن گاه و خاک را لگد می‌کنند تا چسبندگی کافی را به دست آورد، دانه‌های گاه در گل به حالت‌های مختلف قرار می‌گیرد و استحکام بیشتری به خشت می‌دهد و از ترک خوردگی گل جلوگیری و آن را از استحکام بیشتری برخوردار می‌کند.

گل خشت مالی، زمانی که آماده شد قالب را در آب فرو می‌برند و قسمتی از گل را به شکل چانه از توده گل جدا کرده و در قالب جای می‌دهند و زاویه‌ها و سطح قالب را پر از گل می‌کنند و سپس دو طرف قالب را گرفته به آرامی بلند می‌کنند. گل از قالب جدا شده و در برابر نور آفتاب و جریان هوا قرار می‌گیرد تا خشک شود. بعدها مصری‌ها و هندوان فن قالب‌گیری و خشت‌سازی و آجرپزی را فسرآ گرفتند و از خاک‌رس‌های مناطق خود به نحو مطلوب استفاده بردند. در هند چون خاک رس به‌طور وفور یافت می‌شد آجرسازی به سرعت پیشرفت کرد و بیشتر ساختمان‌ها و منازل مسکونی کوچک و بزرگ به خشت‌خام و سپس به آجر تبدیل گشت.

معماری در دوران‌های گذشته هر چند بدوی بود ولی با پیشرفتی که آجر داشت رونق زیادی به ساختمان سازی داد.

آجر در زمان‌های گذشته با ابعاد حیرت‌انگیزی ساخته می‌شد و با اینکه ابعاد آجرها به شکل امروزی معمول نبوده ولی تاریخ‌نویسان نوشته‌اند ۸۵ میلیون آجر برای برج بابل به کار رفته است و هر طبقه از این برج را که مخصوص خدایان بود و طبقات مخصوص نیایش را همه با آجر ساخته شده بود.

بدین ترتیب با آجر، بناهای عظیمی در گوشه و کنار جهان به وجود آمد و مردمان زیادی که با این هنر سر و کار پیدا کردند، چه کسانی که بانی ساختن این قصرها بودند و چه آنهایی که برای پیشبرد حرفه و فن زمان خود زحمت کشیدند همه و همه از بین رفتند ولی دسترنج آن‌ها هنوز در بعضی از نقاط جهان در معابد، قصرها، کلیساها، مساجد و دیگر اماکن قدیمی به چشم می‌خورد و امروز جهانگردان از این یادگارهای گذشته دیدن می‌کنند و یاد آن‌ها را گرامی می‌دارند.

در هند فن آجرسازی با پیشرفت شگرفی همراه بود. در حفاری‌هایی که در هند به عمل آمده است سابقه آجر را حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد می‌دانند. تکنیک آجرسازی در هند پیشرفتی شگرف داشته است.

در یونان و رم قدیم هم بی‌کار ننشستند و آجرسازی مانند دیگر کشورها رو به پیشرفت بود بقایای متعدد اینبه *Eteuscan, Latin, و Campana* که متأسفانه به خوبی حفظ و حراست نشده‌اند بیانگر این است که به کار بردن آجر بخصوص تزیینات معماری ساخته شده از سفال پیش از سده ششم قبل از میلاد متداول بوده است.

کشف قالب‌های قدیمی که برای ساخت تزیینات معماری معابد رم باستان مورد استفاده قرار می‌گرفته و بررسی مصالح به کار رفته گویای این است که از آجر و قطعات سفال برای مفروش کردن بام‌ها استفاده می‌کردند. تزیینات سفالین معماری را پس از قالب‌گیری و خشک کردن در کوره می‌پختند. روش آجرپزی در آن زمان - البته در صورتی که ماشین‌آلات و کوره‌های مدرن را در نظر نگیریم - با روش امروزی چندان متفاوت نبوده است.

در نوشته‌ها آمده است که در رم برای استحکام خشت از خرده‌های کاه استفاده می‌کردند و با خاک رس آن را مخلوط و خشت می‌ساختند، رومی‌ها خشت را

در مقابل نور آفتاب خشک می‌کردند و در کوره‌های آجرپزی می‌پختند، آنان از قطعات آجرسازی خود لیستی تهیه کرده بودند که آجر را به هر اندازه که لازم بود قالب‌گیری و پس از خشک شدن در کوره به آن حرارت می‌دادند.

نوشته‌اند، اندازه آجرهایی که در روم پخته می‌شد، چهار کف دست در چهار کف دست بود (مربع شکل) ولی از ضخامت آجرها اندازه‌ای به میان نیامده است. گویند این اندازه‌ها بعداً تفاوت کرده و حتی در آن زمان از نیمه آجر و یا آجر مثلثی شکل نیز استفاده شده ولی نیمه آجر و آجر مثلثی را قبل از اینکه به کوره ببرند و حرارت بدهند، تقسیم می‌کردند. اندازه آجرهای به کار رفته در بام‌های ساختمان‌های قدیمی که از قطعات سفالین مفروش شده در اشکال صاف و منحنی که طول آن‌ها بین ۳۸ تا ۷۷ سانتی‌متر و عرض آن‌ها بین ۲۸ تا ۵۶ سانتی‌متر نوسان داشته، مشاهده شده است.

در سده‌های اول و دوم بعد از میلاد، آجر را به صورت قطعات سفالین لبه‌دار می‌ساختند و سپس با بریدن و صیقل دادن محل بریدگی به وسیله قطعات سنگ، از آن‌ها به عنوان آجر استفاده می‌کردند. مصالح ساختمانی خرابه‌های رم بعد از آتش‌سوزی بزرگ این شهر، گردآوری شده و گویای این امر است که از سفال‌های لب بریده به عنوان آجر در بناها استفاده شده است.

از دوره کلودیوس *Claudius* و در طول سده‌های بعد از آن به کارگیری آجرهای مثلثی شکل بیشتر رواج داشته است. امروزه در مورد ابعاد و نحوه استفاده از آجر در عهد باستان در نقاط مختلف دنیا اطلاعات جزئیاتی در دست نیست و برای طبقه‌بندی آن احتیاط زیادی به خرج داده می‌شود.

یکی از ویژگی‌های جالب آجر و قطعات پوشش بام در اواسط سده اول بعد از میلاد که بدون شک منشاء شرقی دارد و مهرها و علامت‌هایی است که روی این



قطعات حک شده است، این علامت‌ها در بردارنده، اطلاعات زمانی و مکانی بسیار جالبی هستند، برای مثال روی اغلب این آجرها ذکر شده خاک‌رس آن از چه محلی استخراج شده و آجر آن در چه زمانی زده شده و در کجا ساخته شده است و غیر این‌ها به شکل دایره یا نیم‌دایره، هلالی، چهارگوش و انواع متنوع آجرها بیانگر این است که کوره‌های آجریزی تا چه حد زیاد و متعدد بوده است.

در ایران، شوش به عنوان پایتخت عیلامی‌ها انتخاب شده بود و این شهر از آبادی بسیار خوبی برخوردار بود و در کاوش‌هایی که در این منطقه انجام گرفته و از روی آثار به دست آمده و بقایای تمدن ماقبل تاریخ چنین استنباط می‌شود که داریوش در ۴۹۴ قبل از میلاد قصر شوش را بنا کرد قصری که پادشاهان هخامنشی در شوش پایه‌گذاری کردند گویای تمدن بزرگی بود که در غرب ایران پا به عرصه وجود گذاشت و چهره این سرزمین را عوض کرد.

داریوش، شهر شوش را پایتخت زمستانی خود قرار داده بود. در کاوش‌های انجام گرفته در الواح گلی به دست آمده در شهر شوش که مربوط به ۱۷۰۰ سال قبل از میلاد است، اسناد و قراردادهایی را دربرمی‌گیرد، از تجسسات و الواح به دست آمده شهر شوش توسط باستان‌شناسان و مقایسه آن با آثار و کشفیات باستان‌شناسی ناحیه بین‌النهرین، تاریخ تقریبی آغاز تمدن در سرزمین شوش و نواحی مورد کاوش از چهارهزار سال پیش از میلاد مشخص شده است. بنابر این فن آجرسازی در ایران از ازمه دورنمایان است و ایران هم یکی از کشورهایانی بوده که در پیشرفت صنعت آجر همت گماشته است. شاهد این مدعا معبد چغازنبیل است که در روی تپه‌ای بزرگ خاکی در کنار یکی از انشعابات رودخانه کارون واقع شده که این معبد را آنتاش گال پادشاه عیلامی در سال ۱۲۵۰ قبل از میلاد بنا کرد و بعضی را عقیده بر آن است که آنتاش گال

نتوانست ساختمان معبد را تمام کند.

بعد از مرگ آنتاش گال باز هم معبد مورد استفاده و سکونت قرار نگرفت و در زمان اشکانیان چون معبد خالی بود و در دشتی وسیع قرار داشت و دور از آبادی بود، چوپانان در بعضی از فصول سال که برای چرانیدن گوسفندان به این منطقه رفت و آمد داشتند برای استراحت از این محل استفاده می‌کردند. این بنا از خشت خام ساخته شده و روکشی از آجر دارد. در اطراف این معبد ضمن خاکبرداری و کاوش‌هایی که به عمل آمده تعدادی مجسمه از انسان، حیوان و الواح گلی که مطالبی به خط عیلامی روی آن نقر شده کشف گردیده است. ساختمان معبد مربع شکل و بلندای ساختمان آن در حال حاضر ۲۵ متر است که در اصل حدود ۵۰ متر بوده است. زیگورات یا معبد چغازنبیل در هفت طبقه و بین دو شهر شوش و شوشتر بنا شده بود به طوری که از بالای معبد منظر هر دو شهر قابل

رویت بود.

شکوفاتر شد. از معماران چیره‌دستی که در آن زمان به آبادانی کشور می‌پرداختند می‌توان از شیخ بهایی ریاضی‌دان معروف زمان خود یاد کرد که آثار بس گرانبها و جاودانه‌اش در اصفهان زبانزد همه هنردوستان است.

در دنیای اسلام و ایران قدیم، آجر به حالت تکاملی خود رسید و با نقش‌های متفاوتی عجین شد. مناره‌ها با نیروی فوق‌العاده و متمرکزی که در آن‌ها بود سر به آسمان بلند کردند و چون مشعلی فروزان در هر گوشه و کنار کشور پهناور ایران پرتوافکن شدند.

هنر اسلامی در دوره سلجوقیان تا حدود قرن هشتم منحصرأ از آجر استفاده کرد و به‌طور استادانه و تحسین‌آمیز آجر را به عنوان یک عنصر اصلی بنا پذیرفت و آن را به کار گرفت. دنیای اسلام برای هر نوع بنا و ایده‌هایی که در این شیوه به کار گرفته از آجر استفاده کرده است و شاید بتوان گفت هنر تزیینی آجرکاری در دنیای اسلام بی‌رقیب باشد، در ضمن ناگفته نماند که آغاز این هنر را می‌توان در تکامل آجر پیش از اسلام جست و جو کرد. در دوران اسلامی بود که لعاب روی آجرها نشست و تکنیک جدیدی از آجر لعابدار پدیدار گشت و رنگ‌های فیروزه‌ای، آبی، سبز و غیره با جلوه خاص خود در دل نقش‌ها نشستند و هنری نو آفریدند.

بعدها، آجرهای لعابدار که بر پیکره بناها به کار رفت و گنبد و مناره‌ها را تزیین کرد و معماری اصفهان را دگرگون ساخت و در دنیای هنر پیر آوازه جهان، اصفهان را نگینی بر کره زمین توصیف کردند.

باید گفت زیگورات چغازنبیل معبدی بود که سومری‌ها برای خدایان خود با آجر ساختند و در طبقه بالای آن اتاقی مخصوص مجسمه خدایان در نظر گرفته و در طبقات دیگر این معبد اتاق‌هایی ویژه کاهنان و ستاره‌شناسان برای مطالعه ستارگان یا حرکت پرندگان و پیش‌بینی‌های نجومی که لازم زمان خود بود، ساخته بودند.

از نوشته باستان‌شناسان که به‌طور متناوب از ایران دیدن کرده‌اند چنین استنباط می‌شود که هنر و صنعت در حدود پنج‌هزار سال قبل از میلاد در این مرز و بوم ریشه داشته است و می‌توان گفت روستاها و مکان‌هایی که گنجینه‌هایی در دل خاک خود دارند و با آثاری که به دست باستان‌شناسان کشف می‌شود چون کتاب زنده‌ای از تاریخ معماری، هنر و صنعت این مملکت است. قلعه‌ها، کاروانسراها، معابد، امامزاده و دیگر اماکن با داستان‌ها و افسانه‌های بسیار کهن همراه است که سینه به سینه آمده و در دل‌ها ریشه دوانیده است.

معماران و هنرمندان ایرانی در زمان‌های گذشته از برجسته‌ترین کارشناسان عصر خود بوده‌اند که با کمال تأسف تاریخ نامی از این افراد برگزیده را به یاد ندارد، اگر چه با هنری که از خود به یادگار گذاشته‌اند می‌توان به خصائل انسانی آن‌ها پی برد.

با گسترش اسلام، کشورهای زیادی را زیر نفوذ خود گرفت و فرهنگ تازه‌ای را با خود آورد که این فرهنگ با فرهنگ گذشتگان متفاوت بوده هنرمندان، هنر اسلامی را با دیگر هنرهای گذشته در هم تلفیق کردند و رنگ و بویی تازه به کالبد هنر بخشیدند. طراحان در طرح‌های خود تازه‌هایی را به وجود آوردند و هنرمندان بر آن شدند که کارهای شایسته‌تری در دسترس علاقه‌مندان به هنر قرار دهند و بازآفرینی کنند. هنر هر روز به فراخور زمان خود با مصالحی متفاوت پیشرفت می‌کرد. بازآفرینی هنر در عصر صفویه